

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 2, Spring 2020, 205-223
Doi: 10.30465/crtls.2020.5267

A Critique of the Book “*Visual Design and Communications: Contribution to a Teaching Methodology*”

Alireza Taheri*

Sahar Sadeghi**

Abstract

Creativity is the most basic ability of the human brain. The artist with visual communication always tries to create great ideas with new ideas. Bruno Monari is an artist and creative innovator. In 1967, Monari initiated innovative experiences and training of interested students at Harvard University and included their experiences, successes, and failures in a book entitled “*Visual Design and Communications: Contribution to a teaching methodology*”. This article introduces and critically examines the book of Bruno Munari, which was translated by Paiandeh Shahandeh in 2008. The purpose of this article is to express the points to be considered in order to make the work more effective and to introduce more and more of the author’s approach to planning for a complete teaching of visual communication at universities and colleges in the country. The research methodology is descriptive-analytical with a critical approach, and the tools for collecting library data, articles, and Internet resources are valid. The book can be enriched by providing more creative images and pictures, giving them the right logical consistency, and deleting and adding parts of the content to its beneficial coefficient for all those related to visual arts.

Keywords: Bruno Munari, Visual Methodology, Visual Communication, Qualitative Analysis, Content

* Associate Professor, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Iran, artaheri@arts.usb.ac.ir

** MA in Arts Research, Faculty of Arts and Architecture, University of Sistan and Baluchestan, Iran (Corresponding author), art_modernss@yahoo.com

Date received: 2019-09-24, Date of acceptance: 2020-03-02

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب طراحی و ارتباطات بصری: ره‌یافتی بر روش‌شناسی بصری

علیرضا طاهری*

سحر صادقی**

چکیده

تفکر خلاق اساسی‌ترین توانایی مغز بشر است. هنرمند طراح از طریق ارتباطات بصری همواره سعی دارد با ایده‌های تازه از هیچ بسیار بیافریند. «برونو موناری» از هنرمندان خلاق و نوآوری است که در سال ۱۹۶۷م تجربیات و آموزش‌های نوآورانه‌ای را روی دانشجویان علاقه‌مند در دانشگاه هاروارد آغاز کرد و تجربیات، موفقیت‌ها، و ناکامی‌هایشان را در کتابی با عنوان *طراحی و ارتباطات بصری: ره‌یافتی بر روش‌شناسی بصری* با علاقه‌مندان به اشتراک گذاشت. این مقاله کتاب برونو موناری، ترجمه پاینده شاهنده، چاپ سال ۱۳۸۷ را معرفی و بررسی نقادانه می‌کند. بیان نکات تأمل‌برانگیز باهدف سودمندی اثر و معرفی هرچه بهتر و بیش‌تر روش مؤلف درجهت برنامه‌ریزی برای یک دوره کامل تدریس ارتباطات بصری در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های کشور از اهداف این مقاله است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با رویکرد انتقادی و ابزار گردآوری داده‌های کتاب‌خانه‌ای، مقالات، و منابع اینترنتی معتبر است. این کتاب می‌تواند با ارائه خلاقانه‌تر تصاویر و عکس‌ها، دادن نظم و انسجام منطقی به آن‌ها، و حذف و اضافه بخش‌هایی از مطالب بر سودمندی بیش‌تر آن‌ها برای کلیه دروس مرتبط با هنرهای تجسمی بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: برونو موناری، روش‌شناسی بصری، ارتباطات بصری، تحلیل کیفی، محتوا.

* استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، artaheri@arts.usb.ac.ir

** کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)،

art_moderns@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

۱. مقدمه

در روزگاری که امکان بررسی درستی یا نادرستی یک نظریه با تعصبات شخصی و غرض‌ورزی‌ها و به‌دور از یک اصل سازنده مشترک همراه شده و طراح هنر بصری به استفاده از آموزش‌های متکی به گذشته محدود شده بود، وجود خلاقیت ذهنی و نوآوری در زمینه برقراری رابطه‌ای شکلی یا اصل سازنده‌ای مشترک که جانشین نظریه‌های مختلف درست و نادرست اشخاص به زیبایی یک اثر باشد و هم‌چنین به نقدکشیدن مفاهیم، روش‌ها، و آموزش‌های کهنه و سنتی احساس می‌شد. برونو موناری از هنرمندان خلاق قرن بیستم در برخی از آثارش از خلاقیت، ابتکار، و آموزش نوآوری‌هایی در آن دوران صحبت می‌کند. وی با روحیه‌ای نقادانه به روش‌های کهنه آموزشی و وضعیت آموزش سهمی به‌سزا در خلق فضاها نو بصری داشت. بی‌تردید کتاب *طراحی و ارتباطات بصری* او را می‌توان در زمره تلاش‌های این هنرمند در جهت یافتن معنا و مفهوم درست ارتباط بصری و بهبود اوضاع و احوال آموزش‌های هنری و مرزهای از قبل تعیین‌شده آن روزگار به‌شمار آورد. کتاب برونو موناری در چندین مورد بررسی و معرفی شده است، اما مروری انتقادی باهدف بیان نکات تأمل‌برانگیز به‌منظور افزایش ضریب سودمندی این اثر انجام نشده است.

۲. طرح مسئله

در بررسی نقادانه کتاب *طراحی و ارتباطات بصری*: ره‌یافتی بر روش‌شناسی بصری مسئله اصلی و تأمل‌برانگیز بررسی ساختاربندی تدریس موناری در دانشگاه روی دانشجویان و نحوه علاقه‌مند کردن آن‌ها و برهم‌زدن ساختارهای غلط آموزشی در ارتباط با آموزش هنر است. پس از بررسی، شناخت، و معرفی تجربیات، موفقیت‌ها، و ناکامی‌های ایشان در این کتاب، ارائه نظریات و نکات تأمل‌برانگیز در جهت سودمندتر کردن هرچه بهتر و بیش‌تر روش‌های مؤلف با توجه به نیاز دوره و سلیقه روز خود ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳. معرفی کتاب

کتاب *طراحی و ارتباطات بصری* اثر برونو موناری ترجمه پاینده شاهنده در سال ۱۳۸۷، چاپ پنجم، در ۳۶۰ صفحه، و در قطع رقعی را انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ، صحافی، و منتشر کرده است.

موناری ایتالیایی‌الاصیل است و در سال ۱۹۰۷م در میلان (ایتالیا) به دنیا آمد. او شخصیتی خلاق داشت و سهمی به سزا در هنر نو دارد. سادگی در بیان، طرح مفاهیم، توصیف معانی، و به ویژه خلق آثاری مفید از ابزارهای غیرقابل استفاده و ویژگی آثار وی است. کارهای او مخصوص گروه یا قشری معین یا اندیشمندانی با تخصص درک مفاهیم هنری نیست. او با همه به سخن می‌نشیند و با زبانی ساده می‌آموزد که چگونه می‌توان در گستره خلاقیت ذهنی خلق کرد و نوآوری داشت. تجزیه، تحلیل، موشکافی جزئیات، و نگرش انتقادی و تحلیل‌گرایانه به کلیه مفاهیم مطرح شده تا امروز در زمینه هنر نو را می‌دانست. شیوه‌هایی در عین ظرافت روان‌شناسانه و خلاقیت را در ذهن مخاطبش گسترش می‌دهد و گاه با مخاطبش از صفر شروع می‌کند. از نظر خلق آثاری نو او را به درجاتی بسیار بالا می‌رساند و او را تشویق می‌کند تا درباره هرآنچه در اطراف اوست تأمل کند (موناری ۱۳۸۷: ج ۵۲۷، ۷-۸).

طبق اظهارات مؤلف، کتاب طراحی و ارتباطات بصری حاصل تجربه پنجاه جلسه درس کارگاهی اعم از «روش نقاشی چسباندنی آزاد با استفاده از عناصر تصویری اخذ شده از مجلات مختلف»، «مطالعه سطوح و حساسیت‌بخشیدن به آن‌ها»، «گسترش شناخت دانشجویان در مورد مسئله ارتباط تصویر زمینه (خطای باصره)»، «ایجاد ترکیبات جدید با اشکال ساده و واحدهای قابل تکرار» و... در رابطه با ارتباطات بصری در دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ است. نویسنده در این کتاب به‌طور عملی و تجربه کارگاهی با دانشجویان به دنبال القای هنر بصری و استفاده از ابزارها و تکنولوژی به روز از هیچ تجربه و کار عملی دریغ نمی‌کند. از نظر وی، هر چیزی که در مقابل چشمان ما ظاهر می‌شود، می‌تواند مفهوم ارتباط بصری داشته باشد، از ارزش‌های متفاوتی بر حسب موضوع گنجانده شده در آن برخوردار باشد، و اطلاعات مختلفی را به ما انتقال دهد. وی در این باره دو دسته ارتباط اتفاقی و عمدی قائل است (همان: ۷۲).

کتاب از پیش‌گفتار مترجم، پیش‌گفتار مؤلف، و دو بخش تشکیل شده است. مؤلف در بخش اول اظهار به نوشتن مقالاتی در طول دوره آموزشی در دانشگاه هاروارد برای روزنامه‌ای در میلان (زادگاهش) را داشته است که بیش‌تر داستان‌هایی با طول و تفسیر وضع موجود و نحوه آموزش وی به دانشجویان و نوع درس و تجربه آن‌هاست. در بررسی این بخش باید بیش‌تر به تحلیل محتوا و کیفیت و اثربخشی آن توجه کرد.

تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیقی است که از گذشته‌ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته است. این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون‌کشیدن مفاهیم مورد نیاز

پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم سامان می‌یابند (تبریزی ۱۳۹۳: ۱۰۶).

در تحلیل محتوا برای بیرون‌کشیدن مفاهیمی مفید در قالبی سامان‌یافته برای کتاب مورد بحث می‌توان از مقالات نویسنده، بخش نخست کتاب (بدون در نظر گرفتن خاطرات نویسنده) و درحقیقت درس‌گفتارهای مهم او در کلاس‌های درسی با اهدافی هم‌چون از بین بردن ترس و خجالت هنرجویان از اجرا و نمایش کارهای خود به دیگران، آشنایی با روش‌های تقویت ضعف‌ها در هر مرحله از کارهای عملی، آشنایی با انواع سلیقه‌ها و نقد کارها، آشنایی با انواع روش‌های اجرای آثار به صورت دستی و کامپیوتری حتی با کمبود امکانات، منعطف کردن طرز فکر هنرجویان، آشنایی با انواع روش‌های بازاریابی، انتقال، سلیقه مخاطبان، و هم‌چنین کارهای عملی دانشجویان در کنار تصاویر عملی از آن کارها بهره برد (البته ما در بخش نکات قابل تأمل در این مقاله به طور مفصل‌تر بررسی محتوایی و شکلی این موضوع را انجام داده‌ایم).

تجزیه و تحلیل محتوا در قالب فعلی در ابتدای قرن بیستم (به‌ویژه دهه ۱۹۲۰) در ایالات متحده قسمت حوزه ارتباطات، که رواج چشم‌گیری داشته، به کار رفته است (Mayring 2003: 266). توسعه تحلیل محتوا با گسترش چشم‌گیر ارتباطات جمعی هم‌راه بوده است، اما رویکردهای متفاوتی نظیر تفسیرهای کتاب مقدس (انجیل)، تحلیل روزنامه‌ها، روش‌های مطالعه و بررسی شخصیت و خصوصیات فردی براساس نحوه نوشتن (گرافولوژی)، و حتی تحلیل خواب فروید را نیز، که به منزله تحلیل و مقایسه متون به کار رفته‌اند، می‌توان سابقه یا پیش‌کسوت‌های اولیه تحلیل محتوا قبل از قرن بیستم محسوب کرد (Kohlbacher 2006: vol. 8, 1).

تحلیل محتوا را می‌توان در دو روش یا رویکرد کمی و کیفی بررسی کرد. در توضیح مختصری از هر رویکرد آمده است رویکرد کمی به تولید داده‌های عددی و تحلیل آماری این داده‌ها می‌انجامد و در مقابل رویکرد کیفی معمولاً توصیف یا نوع‌شناسی را با عباراتی از موضوعات منعکس‌کننده دنیای اجتماعی آن‌ها به همراه دارد. تجزیه و تحلیل محتوای کیفی بر یک دیدگاه یک‌پارچه از گفتار/متون و زمینه‌های خاص خود تأکید می‌کند. علاوه بر کلمات یا استخراج محتوای عینی از متون برای بررسی معانی تم‌ها و الگوهای است که ممکن است در یک متن خاص آشکار یا پنهان شود. در بسیاری از مطالعات کنونی از تجزیه و تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود که به برخی از نقاط ضعف رویکرد کمی توجه دارد (Zhang and Wildemuth 2009: 1-2).

در بخش نخست کتاب طراحی و ارتباطات بصری: ره‌یافتی بر روش‌شناسی بصری نیز با رویکرد کیفی و کمی محتوای اثر روبه‌روایم. درباره محتوای کمی اثر جای خالی تصاویر، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی درس‌ها، روش‌های اجراشده، و حتی نمونه‌کارهای اجرایی و اتمامی هنرجویان به‌منزله نمایشگاه کاری در این کتاب احساس می‌شود. در رویکرد کیفی، علاوه بر نکات مثبت و تأمل‌برانگیز هنرمند و نویسنده توانای این کتاب، نکاتی سازنده‌تر و مؤثرتر از جمله قابلیت خواندن کتاب، رعایت قواعد عمومی نگارش کتاب، رعایت ارجاعات درون‌متنی، بررسی جمع‌بندی (نتیجه‌گیری) کلی از تجربیات مؤلف، بررسی مطالب اضافه و غیرضروری و انطباق‌نداشتن آن‌ها با تیترا در کتاب، میزان انسجام و نظم منطقی مطالب و تصاویر مربوط در بخش نکات تأمل‌برانگیز این مقاله به‌طور مفصل بررسی و تحلیل محتوایی شده است.

در بخش دوم کتاب، تصاویر و تفسیرهای مربوط به آموزش‌های بخش اول، عناصر پایه، و قواعد ارتباط‌های بصری و طراحی مفصل‌تر و با جزئیات تمام به‌صورت تصویری ملموس شده است. این تصاویر و عکس‌ها به صورت‌های مختلفی از آثار، آزمایش‌ها، نقدها، و پیش‌نهادهایی که گاه به‌وسیله مؤلف و گاه در مدارس مختلف طراحی که آموزش‌های موناری را روی دانش‌آموزان و دانشجویان عملی می‌کردند، برای به‌روزرسانی و ملموس کردن هرچه بیشتر این آموزش‌ها قرار داده شده‌اند. مؤلف درانتها از همه همکاران برای غنابخشیدن به کار و روند کاری به‌منزله یک رشته جزوات درسی، نمونه‌ها، مدل‌ها، و روش‌های قابل‌ارائه و معاوضه در میان مدارس تشکر و مجدداً دعوت کرده و با ارائه فهرست منابع کتاب را به‌پایان رسانده است.

دغدغه اصلی موناری در این کتاب دو موضوع استفاده طراح بصری از جدیدترین ابزارها و تکنولوژی و برقراری رابطه شکلی و سازنده مشترک برای تمامی آثار قابل‌قبول است. وی عقاید بعضی از استادان هنر هم‌عصر خود را چنین توصیف می‌کند: «آن‌ها در جلسات درس به تدریس هنر مربوط به گذشته می‌پردازند، گذشته‌ای کم‌وبیش دور و سعی می‌کنند به سنت راحت‌طلبی وابسته بمانند و کارشان را بدون مشکل و اتلاف وقت ادامه دهند و برای خود دردرس درست نکنند» (موناری ۱۳۸۷: ج ۵۲۷، ۱۲). در جایی دیگر می‌نویسد که دانشجویان از تمام نقاط عالم دانشگاه‌ها وارد را به‌دلیل آزادی در انتخاب درس موردعلاقه خود انتخاب کرده‌اند، زیرا یگانه چیزی که می‌توان و باید در این دانشگاه فراگرفت فن است. فن جدیدتر، نه هنر، هنر یا هست یا نیست، مانند ارائه تعریفی از فن و درک آن از جانب دیگران (همان: ۱۳).

این کتاب در رشته‌های گوناگون هنری از جمله «گرافیک»، «چاپ و تبلیغات»، «ارتباط بصری»، و «هنرهای تجسمی» به کار می‌آید. به منظور تدریس کارگاهی به‌ویژه برای کلیه دروسی سودمند است که به‌شکلی خلاقیت تصویری و تجسمی را مدنظر دارند. رویکرد حاکم بر این کتاب را در تفکر نویسندگان و هنرمندان جدیدتری هم‌چون نیما ورامینی در کتاب مشهور و جذاب تفکر خلاق در گرافیک می‌توان مشاهده کرد. جالب آن‌که در سال‌های اخیر در نحوه تدریس موفق بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها، هم‌چنین هنرآموزان هنرستان‌ها در ایران در رشته‌های گوناگون مرتبط با ارتباطات بصری مذکور نیز می‌توان آن را دید. از موناری کتاب‌های زیادی باهدف ارتقای هنر و مفاهیم مورد استفاده هنرمند و کاربرد عناصر پایه، طراحی، و القای هنر بصری هم‌چون طراحی در معنای هنر ترجمه آزاده بیات و شادی عظیمی و ابتکار ترجمه پاینده شاهنده منتشر شده است. نحوه آموزش و دید این هنرمند آثارش را به نوشته‌هایی خلاق در زمینه هنرهای کاربردی و نوآور در طرح مفاهیم هنری با جنبه‌ای همگانی و ساده‌فهم تبدیل کرده است. چندسالی است که تجربیات موناری و روند آموزشی او در کشور ما نیز مورد استفاده و تجربه اساتید و هنرآموزان قرار گرفته است. اما، حتی موناری هم در کتاب خود اظهار می‌دارد:

مدعی نیستم که یک تز کامل و قطعی درمورد طراحی بصری ارائه داده‌ام، بلکه هدف ارائه پیش‌نهادهایی برای برنامه‌ریزی یک دوره کامل تدریس در این زمینه است و نیز پیش‌نهادهایی که در عمل تجربه شده‌اند و به‌نوبه خود می‌توانند با تجربیات بعدی تصحیح شوند (همان: ۱۰).

نظریات و پیش‌نهادهای عملی به‌روز (تجربیات عملی اندکی در این‌باره انجام شده، اما گستره جامع‌تر و نظریات کامل‌تر قابل‌ارائه در جای‌جای کشورمان لازم است) نیز باید در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های ما با همکاری اساتید و هنرآموزان آزمایش و تجربه شود. هدف از انتخاب این کتاب در وهله اول یادآوری نتایج مثبت و موفقیت تجربیات به‌روز و عملی استاد و هنرمندی بزرگ است که مسیر هنر را به فراسوی مرزهای از قبل تعیین‌شده کشاند. در وهله بعدی بیان نکات تأمل‌برانگیز در آن است که شاید در کنار چنین اثر بزرگ و قابل‌تدریس و استنادی خلأ آن احساس می‌شود. چه‌بسا، نقدهای سازنده نویسندگان دیگر را نیز یاری می‌رساند تا آثار خود را با کم‌ترین خطایی بیافرینند و در قالب پیش‌نهادهای نکات جمع‌آوری و ارائه شوند. حسینی در این‌باره می‌نویسد:

نقد یک کتاب می‌تواند اهداف متعددی داشته باشد. نخست و مهم‌ترین هدف نقد یک کتاب انتقال موضوع آن به خواننده است که کتاب در مورد چه موضوعی است و آیا این کتاب ارزش خواندن دارد یا خیر؟ دوم این‌که کتاب‌ها ابزاری برای برقراری رابطه بین دو ذهن هستند. نویسنده تلاش می‌کند از طریق عبارات یا تصاویر یک متن برخی مفاهیم، ایده‌ها، و نظریه‌ها را به خواننده منتقل کند و خواننده از طریق این متن یا تحت تأثیر قرار می‌گیرد و یا نمی‌گیرد (حسینی ۱۳۹۶: ج ۲، ۴۱).

درحقیقت:

آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود ایراد و اشکال‌گرفتن از یک کار یا اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده‌گیری است نه اشکال‌تراشی، بلکه علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی قواعد و اصول خاص خود را دارد که به آن 'روش‌شناسی نقد' گفته می‌شود (https://www.old.ido.ir/a.aspx?a=1386050101).

۴. نکات مثبت شکلی و محتوایی اثر

۱.۴ ارتباط محتوایی متن با عنوان کتاب

عنوان کتاب باید معرف کلی و درحقیقت کلیدواژه‌ای از متن کتاب باشد تا مخاطبی را که در مورد متن آن کتاب اطلاعی ندارد جذب کند و بتواند با یک عنوان از درون آن خبر دهد. در این صورت می‌توان گفت که این عنوان بسیار موفق و هوشمندانه برگزیده شده است. در کتاب مذکور نویسنده در بخش دوم با عنوان «ره‌یافتی بر روش‌شناسی بصری» هدف بخش اول آن (طراحی و ارتباطات بصری) را مشخص کرده است. وی با آوردن واژه ره‌یافت (راه پرداختن به یک مسئله یا موقعیت یا شیوه تفکر درباره آن‌ها، رویکرد) از دغدغه خود در پیدا کردن راه‌هایی خلاقانه‌تر برای هرچه بهتر و مؤثرتر کردن شیوه‌های آموزشی ارتباط بصری خبر می‌دهد. این عنوان در وهله اول انتظار کسب روش‌هایی نوین در زمینه تفکر خلاق، گسترش خلاقیت، و دورانداختن روش‌های کلیشه‌ای و تکراری گذشته را، که دیگران بارها در کتاب‌های خود مطرح کرده‌اند، در مخاطب بالا می‌برد. نویسنده و هنرمند آزموده این اثر با زبردستی و به هوشمندی انتظار خواننده از عنوان را برطرف کرده است و به‌نظر می‌رسد در آن سال‌ها روش‌های موناخی به‌منزله روش‌های نو و خلاق در زمینه هنرهای کاربردی و خلاقیت در طرح مفاهیم هنری، همان‌طور که خود در عنوان این کتاب

مطرح می‌کند، بر روش‌های نوین بصری و اجرایی ره‌یافتی بوده و شاید بتوان گفت در بعضی کشورها هم‌چنان هست.

۲.۴ کیفیت چاپی و فنی اثر

افزون بر مناسب‌بودن حروف‌نگاری، کیفیت چاپ، صحافی، و قطع کتاب، جلد آن نیز ضخامتی مناسب در نسبت با گرم کاغذ متن دارد و طرح جلد کتاب نیز در نگاه کلی از محتوای کتاب خبر می‌دهد و باین‌که طرح خلاقانه و جذابی ندارد، نمی‌توان از نظر مرتبط‌نبودن با محتوای اثر به آن ایرادی گرفت.

عوامل مؤثری در خوانایی و قابلیت خواندن حروف یک متن وجود دارد که در هنگام حروف‌چینی و انتخاب حروف باید به آن‌ها توجه شود؛ از جمله آن‌ها می‌توان به فاصله بین حروف، فاصله بین کلمات، فاصله بین سطور، و اندازه حروف اشاره کرد. بسیاری از افراد ممکن است این دو واژه را هم‌معنا بیندارند، درحالی‌که تمایزی آشکار در آن‌ها وجود دارد. قابلیت خواندن خوانش آسان یک صفحه چاپ‌شده و ایجاد جذب خواننده است. درحالی‌که خوانابودن رابطه مستقیمی با طراحی، نوع خط، شکل حروف چاپی، و طریقه استفاده از آن‌ها در متن دارد (احمدی‌نیا ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۳۷).

کتاب مورد‌بحث خوانش آسان صفحات چاپی را دارد.

۳.۴ روان و رسابودن زبان متن و ترجمه برای مخاطبان دانشگاهی و تحصیل‌کرده

مترجم با قلمی روان و رسا و ضمن رعایت امانت‌داری کتاب را ترجمه کرده است. برای نوشتن این مختصر متن فارسی با متن اصلی کتاب مقایسه نشده است، اما می‌توان حدس زد که نحوه نگارش مؤلف نیز با توجه به موقعیت، مخاطبان، و بستر اجتماعی نثری ساده و روان دارد و شاید بتوان سبکی را برای آن منظور کرد.

سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به‌وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به‌نوبه خویش به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره «حقیقت» وابسته است. بنابراین سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان (conception) که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا مثنوی) را مشخص می‌کند (شمیسا ۱۳۸۶: ۲۶۲، ۲۰۷).

نقد و بررسی کتاب طراحی و ارتباطات بصری: ره‌یافتی بر ... (علیرضا طاهری و سحر صادقی) ۲۱۵

معمولاً از سبک به دو گونه سخن می‌گویند: الف) سبک بارز یک دوره و ب) سبک یک هنرمند یا نویسنده خاص... در قرن‌های معاصر خاصه از قرن نوزدهم میلادی بدین سو، ما به‌فرااموشی رفتن سبک‌های کلی باعظمت و فاخر را شاهدیم یا دست‌کم می‌بینیم که اهمیت پیشین خود را از دست داده و جای به سبک‌های فردی داده‌اند و پیشرفت سبک فردی چنان شده است که امکان می‌دهد در مقوله سبک فردی وحدت معنی اثر ادبی را جويا شویم (عبادیان ۱۳۷۲: ۲۷).

به‌طور سنتی به سه سبک خطابی (کاربرد نقش انگیزشی برای اقناع و انگیزختن مخاطب به انجام کاری)، سبک تبلیغی، اعلانی، و اجتماعی (کاربرد نقش اطلاع‌رسانی برای اعلان چیزها)، و سبک علمی (کاربرد نقش انتقال اطلاعات علمی برای مقاصد آموزشی) می‌توان اشاره کرد (فتوحی ۱۳۹۲: ۷۸). بنابراین سبک سخن برونو موناری در کتاب طراحی و ارتباطات بصری را، با توجه به توضیحات بیان‌شده و محتوای آموزشی آن، می‌توان به سبکی مختلط از سبک علمی و خطابی گونه‌های کاربردی زبانی نزدیک دانست.

۴.۴ رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش کتاب

مهم‌ترین اصل در نگارش متن یک‌نواختی (uniformity/ consistency) موارد مشابه در سراسر نوشته است. این یک‌نواختی‌ها باید در جای‌جای متن اصلی، عنوان فصل‌ها و زیرفصل‌ها، پانوش‌ها، نگارش کلمات انگلیسی، و ترجمه کتاب دیده شود. هم‌چنین نداشتن غلط املائی و نگارشی، شماره‌گذاری صفحات، رعایت مؤلفه‌های جامعیت صوری، معادل انگلیسی کلمات تخصصی یا اسامی افراد در ترجمه متن، رعایت فاصله و نیم‌فاصله، و نشانه‌گذاری از قواعد عمومی نگارش و ویرایش متن است.

نشانه‌گذاری در جمله‌ها موجب روان‌خوانی متن شده و چه‌بسا استفاده‌نکردن از آن‌ها کل مفهوم یک جمله را تغییر دهد. به همین منظور، برای بهتر و صحیح‌تر خواندن متن و نشان‌دادن روابط صحیح اجزای مختلف جمله و فهم مقصود نویسنده یا تغییر لحن‌های او علائمی وضع کرده‌اند که به آن‌ها نشانه‌های سجاوندی می‌گویند (احمدی‌نیا ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۴۷).

در این کتاب هم مؤلف و هم مترجم به‌خوبی و در بسیاری از موارد قواعد عمومی نگارش و ویرایش کتاب را رعایت کرده‌اند و به بسیاری از ابهامات و انتظارات خواننده پاسخ داده‌اند، اما در مواردی هم، که بررسی خواهد شد، کاستی‌هایی به چشم می‌آید.

مترجم کتاب را با مقدمه‌ای از خود و مؤلف اثر آغاز کرده است. مؤلف در مقدمه خود از اهداف نگارش اثر و توضیحاتی به اختصار در ضمن آن‌ها سخن گفته است. باید توجه داشت:

پیش‌گفتار [=foreword/ preface] با مقدمه [=introduction] فرق فنی دارد. پیش‌گفتار ربط ماهوی و مستقیم با محتویات کتاب ندارد، ولی مقدمه ارتباط ماهوی و محتوایی دارد و گاه بدون خواندن آن نمی‌توان به‌خوبی از یک اثر سر درآورد. پیش‌گفتار بر محور مسائل جنبی نظیر نحوه و شرایط تهیه یک اثر یا تجدید چاپ آن یا سپاس از دست‌اندرکاران ویرایش و نشر و حکایت تجدیدنظر مؤلف در طبع چندم یک اثر و نظایر آن دور می‌زند. در مقدمه غالباً تز یا طرح اولیه یک اثر به اختصار مطرح می‌شود و مؤلف هدف خود از نگارش آن اثر و مباحث اساسی آن را با خواننده در میان می‌گذارد و گاه تفصیل یا اثبات یک امر یا مسئله مجمل را، که در مقدمه آمده، به‌عهده متن می‌گذارد (کتاب نقد و نقد کتاب ۱۳۸۶: ۲۶).

در این کتاب هم مؤلف و هم مترجم با رعایت ویژگی‌های درونی مقدمه خواننده را طوری به‌دام می‌اندازند که به جلو حرکت کند و تا پایان کتاب مشتاق خواندن و به نتیجه رسیدن آن شود. این استراتژی، که به‌نوعی عامل کنجکاوی است، مخاطب را به خواندن، ادامه‌دادن، و تمرین کردن تشویق می‌کند و یکی از سلاح‌های قدرت‌مند مؤلف و مترجم این اثر است.

۵.۴ نوآوری و روزآمدی اثر

موضوع کتاب و روش بیان و آموزش به‌کاررفته برای تدوین آن در زمان خود را می‌توان نوآورانه محسوب کرد. هم‌چنین یافته‌های کتاب و تجربیات حاصل‌شده در نوع خود بدیع و نوآورانه است. موناوی با آموزش‌هایی هم‌چون «تلفیق چند تصویر در یک تصویر واحد»، «ایجاد رمزهای بصری و اطلاع از نوع انتقال و مخاطب آن»، «شناخت واحدهای قابل تکرار و کار بر روی آن‌ها»، «تناوب‌های برنامه‌ریزی‌شده تصاویر»، «نمایش‌های هم‌زمان»، «بررسی ساخت‌ها و کاربرد آن‌ها و نمونه‌های قابل تکرار و ترکیبات آن‌ها»، و «پخش اسلایدهای دانشجویان روی دیوار» به‌روزترین مطالب آموزشی الفبای هنر بصری در دوران خود را به‌کار برده است. چنان‌که مواردی از آن‌ها هنوز هم در آموزش‌های اساتید طراح هنر بصری و هنرمندان مختلف به‌کار می‌رود.

۶.۴ جامعیت نسبی کتاب

این کتاب به هدف تدریس تألیف نشده و صرفاً تجربیات استاد هنر در زمینه پژوهش‌های خود در کارگاه‌های عملی با دانشجویان، مرور خاطرات، و بیان تجربیات موفق آن‌هاست. باین‌حال، در محدوده اصلی موردنظر خود یعنی روشی برای طراحی بصری یا اصل سازنده مشترک برای همه کوشیده است تا نگاهی جامع داشته باشد. در بخش اول قسمت‌های داستان‌وار نیز مشاهده می‌شود، اما نویسنده سعی کرده است هر درس را کامل و با بازخورد آن شرح دهد و از هیچ کار عملی ضروری باتوجه‌به موقعیت و زمان دریغ نکرده است. در بخش دوم نیز با ارائه تصاویر و عکس‌ها و تفاسیر مرتبط با بخش اول بر جامعیت آن صحنه گزارده است.

۷.۴ به‌روزر بودن منابع کتاب

منابع این کتاب باتوجه‌به سال تألیف آن کاملاً به‌روز است. هم‌چنین نویسنده با بصیرت فراوان و واکاوی انبوهی از همکاری و اطلاعات بسیاری از فرهیختگان و افراد برجسته و سرشناسی هم‌چون هنرمندان، روان‌شناسان، دانشمندان، و معلمان در آزمایش‌ها، نقدها، پیش‌نهادها، آثار، و عکس‌های کتابش استفاده کرده است و در زیر هر عکس یا اثر توضیحات آن را کامل هم‌راه با نام و سال صاحب عکس یا اثر آورده است.

۸.۴ نحوه کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

از پرننگ‌ترین نقاط قوت این اثر کاربردی‌بودن برنامه‌های آموزش آن در بسیاری از کلاس‌های آموزشی، ایده‌یابی، خلاقیت، و تفکر دوران هنرستان و دانشگاه است. برای مثال، یکی از درس‌های کارگاه عملی موناری برای دانشجویان «ایجاد ترکیبات جدید با اشکال ساده و واحدهای قابل تکرار» بوده است. امروزه در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های ما نیز از این شیوه به‌صورت ترکیباتی جدید از قسمت‌های مختلف یک مربع، مثلث، و دایره‌ای که تکرار شده‌اند یا قسمتی از آن‌ها کاهش یا افزایش می‌یابد یا ترکیب با یک‌دیگر به یک فرم جدید حتی بدون شباهت به فرم اولیه و غیرقابل‌شناسایی عنصر پایه آن تبدیل می‌شوند و ساخت‌های زیبایی برای تشکیل انواع آرم‌ها را به‌دست می‌دهند. هم‌چنین این اثر یکی از منابع پرارجاع در میان کتاب‌های خلاقیت و نوآوری در سال‌های بعدی بوده است. برای مثال در کتابی چنین آمده است:

با افزایش شناخت درباره فنون و عناصر بصری، خود را برای خلق یک اثر گرافیکی آماده کنید [...] هنرمند طراح باید افکار خلاقانه و ذهنی خود را، به نحوی که دیگران نیز بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، به تصویر کشیده و در معرض دید مخاطبان قرار دهد. در این مرحله است که خلاقیت طراح بروز می‌کند (ورامینی ۱۳۸۸: ۱۲).

این اصل از اصول مهم و اساسی درس‌های موناری در دانشگاه هاروارد است.

۵. نکات مهم شکلی و محتوایی اثر

۱.۵ نکاتی درباره قابلیت خواندن کتاب

در جذب خواننده اثر بخشی به هنر نویسندگی مؤلف مربوط است.

نویسنده برخلاف مصدر خود، یعنی «نوشتن»، در فارسی امروز معمولاً به دو معنی به کار می‌رود. معنی عام: یعنی هر آن‌که چیزی می‌نویسد؛ مانند نامه دوستانه یا یک گزارش ساده. معنی خاص: یعنی کسی که به هنر «نوشتن» آراسته است و قدرت پروردن مطالب گوناگون و معانی باریک و دقیق را با بیان زیبا و شیوا و رسا دارد؛ نویسنده در این معنی در ردیف دیگر هنرمندان است و چون نقاش، شاعر، پیکرتراش، نوازنده، و آهنگ‌ساز و غیره است (احمدی گیوی ۱۳۷۴: ۱۱).

باتوجه به مطالب نو و روش آموزشی خلاقیتی که موناری با تبحر فراوان آن را توضیح داده، کتاب برای جذب خواننده خود از این لحاظ کاملاً غنی است. اما قسمت دیگر جذب خواننده به جنبه شکلی کتاب مربوط است که باعث لذت نیز می‌شود. «یکی از دلایل گرایش و علاقه‌مندی انسان به موضوعات و کارهای گوناگون لذت‌بردن از آن‌هاست. چه این بدیهی است که انسان با دیدن، شنیدن، و دیگر حواس خود احساس لذت می‌کند» (دادور ۱۳۸۸: ۵۵). در کتابی که مؤلف آن برای ارائه راه‌کارهای عملی و قاعده‌مند کردن دانشجویان و علاقه‌مندان هنرهای تجسمی در تلاش است و از هیچ تلاشی برای ارائه نگرش‌ها و کارکردهای خلاقانه دریغ نمی‌کند، انتظار آن می‌رود که از لحاظ بصری نیز در وهله اول خواننده را جذب خود کند و برای ارائه تصاویر و هرچه جذاب‌تر شدن کتابش بیش‌ترین تلاش را داشته باشد. اما در کتاب طراحی و ارتباطات بصری موناری باوجود مناسب بودن حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و طرح جلد به نظر می‌رسد نبود تصاویر خلاقانه‌تر و شاید ارائه خلاقانه‌تر تصاویر حاضر در جای‌جای بخش‌های این کتاب احساس

نقد و بررسی کتاب طراحی و ارتباطات بصری: ره‌یافتنی بر ... (علیرضا طاهری و سحر صادقی) ۲۱۹

می‌شود و این موضوع در بی‌انگیزگی، خسته‌شدن، و دنبال‌نکردن مطالب از جانب خواننده تأثیر به‌سزایی دارد.

۲.۵ نکاتی در رعایت قواعد عمومی نگارش کتاب

مؤلف و مترجم بسیاری از قواعد نگارش کتاب را رعایت کرده‌اند، اما می‌توان این دو نکته را به‌منزلهٔ نقص متذکر شد.

۱.۲.۵ به‌کارنبردن ارجاعات درون‌متنی

کتاب فهرست منابع دارد، اما مؤلف از ارجاعات درون‌متنی استفاده نکرده است. البته باید این را هم در نظر گرفت که «تا چند دهه پیش ارجاع‌دادن و استنادکردن رواج چندانی نداشت و گاه کتاب‌هایی منتشر می‌شد که در سراسر آن هیچ ارجاعی به‌چشم نمی‌خورد» (اسلامی ۱۳۹۲: ج ۱، ۷) و گاهی نیز کتاب‌هایی را مشاهده می‌کنیم که مؤلف این عناصر نگارشی را رعایت کرده و در نوشته‌های خود، چه علمی، اصیل، و حتی خلاقانه، از این شاخصه‌های مهم نوشتاری بهره گرفته و کتبی اعلام و مشخص کرده است.^۲ درحقیقت «ارجاع در متن به‌دلیل افزایش تمرکز و کاهش در زمان حقوق خواننده را بیش‌تر از سایر روش‌های ارجاع رعایت می‌کند و لذا اخلاقی‌تر است» (فرامرزی قراملکی ۱۳۸۵: ۱۹۹). در این کتاب عقاید و گفته‌های خود مؤلف مشخص نیست یا این‌که کدام قسمت‌ها نظر دیگران است یا حتی مؤلف از کدام صفحات منبع اعلام‌شده چنین مطلبی را اظهار کرده است و این‌که نقل‌قول مستقیم است یا غیرمستقیم. همهٔ این‌ها خوانندهٔ کنجکاو و دقیق را سردرگم می‌کند و برای یافتن اصل و حقیقت باید منابع متعدد را با صرف زمان زیادی بررسی کند که کار دشواری است و حقوق و حق تقدم آن نویسندگان رعایت نشده است.

۲.۲.۵ مطالب اضافه و غیرضروری و انطباق‌نداشتن آن‌ها با تیترها در قسمت‌هایی از

بخش اول کتاب

موناری در بخش اول کتاب با زبانی خودمانی و رسا در جای‌جای آموزش‌های خود گاه به توضیحاتی از زندگی شخصی و وضعیت ویژهٔ آن دوران بنا بر نیاز و لازمهٔ بحث موردنظر و رسیدن و نزدیک‌شدن به منظور و ذهن مؤلف پرداخته است. اما دربارهٔ سازش محتوای اثر

با تیتراژ عنوان‌شده آن در قسمت‌هایی از این بخش به نظر می‌رسد که مطالب اضافه نه فقط کمکی به درک هرچه بهتر و بیش‌تر مبحث آموزشی نکرده است، بلکه خواننده را تاحدودی از موضوع آموزش موردنظر دور و خسته می‌کند و کیفیت محتوای آموزشی این بخش را زیرسؤال می‌برد. موارد زیر از نمونه نکات در بخش اول است:

- صفحات ۱۹ و ۲۰: برای عنوان «هرکس آن چیزی را می‌بیند که درباره‌اش اطلاعاتی دارد» توضیحاتی درباره «سنجاب» است در شبی که موناری از آن در این قسمت صحبت کرده است. به نظر می‌رسد توضیحی کاملاً بی‌ربط به مطلب و تیتراژ آموزش آن است و نه فقط ضرورتی ندارد، بلکه تأکید بر نبود آن بیش‌تر احساس می‌شود.
- صفحات ۲۴ و ۲۵: برای عنوان «خطای باصره» توضیحات مؤلف درباره امکانات ساختمان‌ها و شهرهای کشور آمریکا و مقایسه آن با کشور مؤلف (ایتالیا) از توضیحات اضافه این بخش است.

۳.۵ انسجام و نظم منطقی مطالب و تصاویر مربوطه

مؤلف در مقدمه اظهار کرده که بخش اول را با مقاله‌هایی برای آشنایی بیش‌تر خواننده با محیط و موقعیت محیط آموزشی آغاز کرده است، بااین‌حال از درس‌های خود در این دوران، تجربیات، موفقیت‌ها، و ناامیدی‌های دانشجویان در هر مبحث نیز صحبت می‌کند و در بخش دوم مجموعه‌ای از تصاویر و تفسیرهای مربوط به بخش اول را آورده است. تصاویر و تفسیرهایی که کاملاً احساس می‌شود بعد از هر مبحث توضیحی در بخش اول جایگاهشان باشد تا خواننده با دیدن تصاویر و تفسیرهای زیرنویس آن‌ها بهتر و بیش‌تر متوجه مطالب و آموزش‌ها شود و در بعضی از دروس شاید می‌توانست خواننده را از گیجی و ابهام در مطالب خارج کند. از طرفی، شماره‌گذاری تصاویر باعث ارجاع سریع و آسان به آن‌ها می‌شد.

۴.۵ نبود نتیجه‌گیری کلی از تجربیات و ارائه پیشنهادی ضروری

مؤلف فقط با ارائه روشی برای طراحی و تولید خلاقانه، که بخشی از موضوع اصلی کتاب را دربرمی‌گیرد و تشکر و دعوت مجدد از همه همکارانی که او را در محقق‌کردن اهدافش همراهی کرده‌اند، کتاب را به پایان رسانده است. درحالی‌که در هر بحث و پژوهشی خواننده دست‌یافتن به نتیجه‌گیری از کل مباحث، یافته‌ها، و تجربیات مؤلف را انتظار دارد. استنتاج

کلی پژوهش‌گر از مطالعات خود و نوشتن آن‌ها در واقع محقق کردن فرضیه‌ها و به‌دست آوردن اهداف تحقیق است. مؤلف در مقدمه از اهداف (نوآوری) کلی برای انجام آموزش‌های عملی و تجربیات خود در دانشگاه هاروارد صحبت می‌کند.

دانشجویان این دوره از کشورهای متفاوت آمده بودند و احتمالاً آن‌چه برای دانشجوی برزیلی زیبا بود، شاید برای دانشجوی چینی زیبا نبود، در صورتی‌که اگر یک اصل سازنده مشترک برای همه مطرح می‌شد، امکان بررسی درستی و نادرستی مسئله مورد نظر به وجود می‌آمد. بدین ترتیب، رابطه شکلی جای‌گزین زیبایی شد. نوآوری دیگر، استفاده از جدیدترین ابزارهایی بود که تکنولوژی جدید در اختیار طراح هنر بصری می‌گذاشت... (موناری ۱۳۸۷: ۵۲۷).

انتظار می‌رود که در انتهای این کتاب در ضمن ارائه روشی برای طراحی که آورده شده است، نتیجه‌گیری کلی آموزش‌های مفصل تئوری در بخش اول و تصویری و عملی در بخش دوم، هم‌چنین محدودیت‌های پژوهش و تجربیات در جهت رسیدن به آن اهداف و پیش‌نهادها بیان شود.

۶. نتیجه‌گیری

شایسته است محتوای این کتاب به دلیل اهمیت آن به منظور یک متن کمک‌درسی به دانشجویان توصیه شود. هم‌چنین روش آموزشی و تجربیات مؤلف در موضوعاتی از این دست توانسته آن را به کتابی سازنده تبدیل کند. این کتاب باهدف متن کمک‌درسی نوشته نشده است و نمی‌توان و نباید انتظار داشت که مطابق استانداردها و معیارهای متون درسی چاپ شده باشد. به نظر می‌رسد اگر مترجم یا ناشر اصلاحات جزئی و پیش‌نهادی زیر را در چاپ‌های بعد در نظر بگیرد، بر ضریب سودمندی این کتاب برای کلیه دروسی که به شکلی با هنرهای تجسمی مرتبطاند، افزوده خواهد شد. هرچند به همین صورت نیز تأثیرات مثبت و سودمندی را برای هنرمندان، استادان، و بسیاری دانشجویان هنر تا به امروز داشته است.

- افزودن تصاویر و عکس‌هایی به‌روز، خلاق، و رنگی از تجربیات دانشجویان و مرتبط با آموزش‌های موناری؛
- افزودن نتیجه‌گیری کلی از دو بخش ارائه‌شده در انتهای کتاب؛
- حذف بخش‌هایی از مطالب اضافی و غیرضروری؛

- دادن نظم و انسجامی منطقی به مطالب و تصاویر مربوط برای درک بهتر و جذاب‌تر شدن هرچه بیش‌تر کتاب؛
- طراحی جلدی جذاب و خلاقانه‌تر با توجه به عنوان کتاب.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقصود از روش‌شناسی (methodology) نقد مجموعه فنون و روش‌هایی است که با آن می‌توان یک اثر را متقدانه ارزش‌یابی کرد و به نتیجه‌ای درست یا نزدیک به واقعیت دست یافت. روش‌شناسی شاخه‌ای از منطق است به نام منطق عملی که اصول عمومی شکل‌گیری دانش و نظام اصول و نحوه انجام تجربیات و بررسی‌ها در هر یک از شاخه‌های دانش را شرح می‌دهد.
۲. برای مثال، کتاب نخستین مسلمانان در اروپا نوشته برنارد لویس و ترجمه محمد قائد، چاپ‌شده در نشر مرکز تهران (۱۳۷۴)، ۴۷۴ صفحه دارد و منابع ندارد، اما ارجاعات کتاب را رعایت کرده است.

کتاب‌نامه

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۴)، *از فن نگارش تا هنر نویسندگی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احمدی‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳)، «طراحی حروف در رساله جهادیه، نخستین کتاب فارسی چاپ‌شده در ایران»، *مطالعات ملی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ش ۳.
- اسلامی، سیدحسن (۱۳۹۲)، «چرا و چگونه ارجاع دهیم؟»، *آینه پژوهش* ۱۳۹، س ۲۴، ش ۱.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، *علوم اجتماعی*، ش ۶۴.
- حسینی، سیدحسین (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی نقد علوم انسانی (نمونه مورد مطالعه: داوران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی)»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۲.
- دادور، علیرضا (۱۳۸۸)، «چند پیش‌نهاد برای جذاب‌شدن کتاب‌های درسی تاریخ»، *رشد آموزش تاریخ*، دوره یازدهم، ش ۳.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۶/۱۲/۲۰)، «اصول نقد اثر و تحلیل محتوا»، سازمان تبلیغات اسلامی (۱/۱۳۸۶/۵):
<<http://www.old.ido.ir/myhtml/rl.aspx>>.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: میترا.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲)، *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*، تهران: آوای نور.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۲)، *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها، و روش‌ها*، تهران: سخن.

نقد و بررسی کتاب طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر ... (علیرضا طاهری و سحر صادقی) ۲۲۳

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵)، *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

کتاب نقد و تقد کتاب (۱۳۸۶)، به اهتمام مؤسسه خانه کتاب، تهران: خانه کتاب.

موناری، برونو (۱۳۸۷)، *طراحی و ارتباطات بصری*، ترجمه پاینده شاهنده، ج ۵۲۷، تهران: سروش.

ورامینی، رامین (۱۳۸۸)، *تفکر خلاق در گرافیک*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

Kohlbacher, Florian (2006), "The use of Qualitative Content Analysis in Case Study Research", in: *Qualitative Social Research*, vol. 7, no. 1, Available at:

<<http://www.qualitative-research.net/fqs/>>.

Mayring, Philip (2003), "Qualitative Content Analysis", in: *A Companion to Qualitative Research*, Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke (eds.), London: Sage

Zhang, Yan and Barbara Wildemuth (2009), "Qualitative Analysis of Content", *Human Brain Mapping*, vol. 30, no. 7.

